



درباره شخصیت و حیات پربرکت امام موسی کاظم (ع)

به جهت کثرت زهد و عبادتش معروف...

خبرگزاری مهر- جمعه 7 صفر مصادف با سالروز ولادت امام موسی کاظم (ع) است. به جهت کثرت زهد و عبادتش معروف به "العبد الصالح" و به جهت علم و فرو خوردن خشم و صبر بر مشقات و آلام زمانه مشهور به "الکاظم" گردید.

ابوالحسن موسی بن جعفر (ع) امام هفتم از ائمه اثنی عشر (ع) ونهمین معصوم از چهارده معصوم (ع) تولد آن حضرت در ابواء (محلّی میان مکه و مدینه) به روز یکشنبه هفتم صفر سال 128 یا 129 ق واقع شد.

به جهت کثرت زهد و عبادتش معروف به "العبد الصالح" و به جهت علم و فرو خوردن خشم و صبر بر مشقات و آلام زمانه مشهور به "الکاظم" گردید. آن حضرت به کنیه های ابوابراهیم و ابوعلی نیز معروف بوده است. مادر آن حضرت حمیده کنیزی از اهل مغرب یا اندلس (اسپانیا) بوده است و نام پدر حمیده را صاعد مغربی (بربری) گفته اند. برادران دیگر امام از این بانو اسحاق و محمد دیباج بوده اند. امام موسی کاظم (ع) هنوز کودک بود که فقهای مشهور مثل ابوحنیفه از او مسئله می پرسیدند و کسب علم می کردند بعد از رحلت پدر بزرگوارش امام صادق (ع) (148 ق) در بیست سالگی به امامت رسید و 35 سال رهبری و ولایت شیعیان را برعهده داشت.

چگونگی به امامت رسیدن آن حضرت

در زمان حیات امام صادق (ع) کسانی از اصحاب آن حضرت معتقد بودند پس از ایشان اسماعیل امام خواهد شد. اما اسماعیل در زمان حیات پدر از دنیا رفت ولی کسانی مرگ او را باور نکردند و او را همچنان امام دانستند پس از وفات حضرت صادق (ع) عده ای چون از حیات اسماعیل مأیوس شدند پسر او محمد بن اسماعیل را امام دانستند و اسماعیلیه امروز بر این عقیده هستند و پس از او پسر او را امام می دانند و همینطور به ترتیب و به تفضیلی که در کتب اسماعیلیه مذکور است. پس از وفات حضرت صادق (ع) بزرگترین فرزند ایشان عبدالله نام داشت که بعضی او را عبدالله افطحی دانند؛ این عبدالله مقام و منزلت پسران دیگر حضرت صادق (ع) را نداشت و به قول شیخ مفید در "ارشاد" متهم بود که در اعتقادات با پدرش مخالف است و چون بزرگترین برادرانش از جهت سن و سال بود ادعای امامت کرد و برخی نیز از او پیروی کردند، اما چون ضعف دعوی و دانش او را دیدند روی از او برتافتند و فقط عده قلیلی از او پیروی کردند که فطحیه موسوم هستند. اما جلالت قدر و علو شأن و مکارم اخلاق و دانش وسیع امام موسی کاظم (ع) به قدری بارز و روشن بود که اکثریت شیعه پس از وفات امام صادق (ع) به امامت او گرویدند و علاوه بر این بسیاری از شیوخ و خواص اصحاب حضرت صادق (ع) مانند مفضل ابن عمر جعفی و معاذین کثیر و صغوان جمال و یعقوب سراج نص صریح امامت حضرت امام موسی کاظم (ع) را از امام صادق (ع) روایت کردند و بدین ترتیب امامت ایشان در نظر اکثریت شیعه مسجل گردید.

شخصیت اخلاقی

امام کاظم (ع) در علم و تواضع و مکارم اخلاق و کثرت صدقات و سخاوت و بخشندگی ضرب المثل بود. بران و بدانیشان را با عفو و احسان بیکران خویش تربیت می فرمود. آورده اند که مردی از اولاد عمر بن خطاب در مدینه بود، همواره امام موسی بن جعفر علیه السلام را می آزد و هر وقت وی را می دید دشنامش می داد و به علی علیه السلام ناسزا می گفت، اصحاب عرض کردند: به ما اجازه دهید تا این فاجر را بکشیم! امام علیه السلام آنها را نهی کرد و به شدت از این کار باز داشت.

شبه‌ها بطور ناشناس در کوچه‌های مدینه می‌گشت و به مستمندان کمک می‌کرد. مبلغ دویست، سیصد و چهارصد دینار در کیسه‌ها می‌گذاشت و در مدینه میان نیازمندان قسمت می‌کرد. صرار (کیسه‌ها) موسی بن جعفر در مدینه معروف بود. و اگر به کسی صره‌ای می‌رسید بی‌نیاز می‌گشت معذک در اطاقی که نماز می‌گزارد جز بویا و مصحف و شمشیر چیزی نبود.

نجمه همسر امام

نجمه، مادر بزرگوار امام رضا(ع) و از زنان مومنه، پارسا، نجیب و پاکیزه بود. حمیده، همسر امام صادق (ع)، او را که کنیزی از اهالی مغرب بود، خرید و به منزل برد.

نجمه در خانه امام صادق (ع)، حمیده خاتون را بسیار احترام می‌کرد و به خاطر جلال و عظمت او، هیچگاه نزدش نمی‌نشست روزی حمیده در عالم رویا، رسول گرامی اسلام (ص) را دید که به او فرمودند: ای حمیده! نجمه را به ازدواج فرزند خود موسی درآور زیرا از او فرزندی به دنیا خواهد آمد که بهترین فرد روی زمین باشد. پس از این پیام، حمیده به فرزندش امام کاظم (ع) فرمود: پسر من! نجمه بانویی است که من هرگز بهتر از او را ندیده‌ام، زیرا در زیرکی و محاسن اخلاق، مانندی ندارد. من او را به تو می‌بخشم، تو نیز در حق او نیکی کن. ثمره ازدواج امام موسی بن جعفر(ع) و نجمه، نوری شد که در شکم مادر به تسبیح و تهلیل مشغول بود و مادر از آن، احساس سنگینی نمی‌کرد و چون به دنیا آمد، دست‌ها را بر زمین گذاشت، سر را به سوی آسمان بلندکرد و لب‌های مبارکش را به حرکت درآورد: گویا با خدایش رازو نیازی می‌کرد. پس از تولد امام هشتم (ع)، این بانوی مکرمه با تربیت گوه‌ری تابناک، ارزشی فراتر یافت.

فرزندان امام

بنا به گفته شیخ مفید در ارشاد امام موسی کاظم (ع) سی و هفت فرزند پسر و دختر داشت که هیجده تن از آنها پسر بودند و علی بن موسی الرضا (ع) امام هشتم افضل ایشان بود از جمله فرزندان مشهور آن حضرت احمد بن موسی و محمد بن موسی و ابراهیم بن موسی بودند. یکی از دختران آن حضرت فاطمه معروف معصومه سلام الله علیها است که قبرش در قم مزار شیعیان جهان است. عدد اولاد آن حضرت را کمتر و بیشتر نیز گفته‌اند.

امام و حکومت عباسیان

هارون از سرسختی آل علی در برابر حکومت عباسیان به شدت رنج می‌برد و از این رو، از هر راهی که ممکن می‌شد، می‌کوشید تا آنان را بکوبد یا در جامعه سبک سازد، پولهای گزاف به شاعران خود فروخته مداح در باری می‌داد تا آل علی را هجو کند. از جمله در مورد منصور نمری در ازاء قصیده‌یی که در هجو آل علی سروده بود فرمان داد که او را به خزانه‌ی بیت المال ببرند تا هر چه می‌خواهد بردارد.

همه‌ی علویان بغداد را به مدینه تبعید کرد و گروهی بیشمار از ایشان را کشت یا مسموم ساخت. حتی از استقبال مردم به قبر حضرت امام حسین علیه السلام، رنج می‌برد و فرمان داد تا قبر و خانه‌های مجاور آن را خراب کنند و درخت سدری را که کنار آن مزار پاک روییده بود، قطع نمایند. و پیشتر پیامبر اسلام (ص) سه بار فرموده بود خدا لعنت کند کسی را که درخت سدر را قطع می‌کند.

شکی نیست که حضرت امام موسی کاظم - که درود هماره‌ی خداوند بر او باد- نمی‌توانستند با حکومت چنین تباهکاره نامسلمان ستم پیشه‌یی و پدران او، موافق باشند و هم از اینروست اگر به قیام فخر رضایت می‌دهند، و هم از اینروست که با شیعیان خویش دائماً در تماس مخفی می‌بودند و موضع هر یک را فرد فرد در مقابله با حکومت جابر وقت تعیین می‌فرمودند.

حضرتش به صفوان بن مهران از یاران خویش می‌فرمودند: تو از همه جهت نیکویی، جز اینکه شترانت را به هارون کرایه می‌دهی. عرض کرد: برای سفر حج کرایه می‌دهم و خودم هم دنبال شتران نمی‌روم. فرمود: آیا به همین خاطر، باطنا دوست نداری که هارون دست کم تا بازگشت از مکه زنده بماند، تا شترانت حیث و میل نشود؟ و کرایه‌ی تو را بپردازد؟

عرض کرد، چرا. فرمود: کسی که دوستدار بقای ستمکاران باشد، از آنان به شمار می‌رود.

و اگر گاه به برخی اجازه می‌فرمودند که مشاغل خویش را در دستگاه هارونی حفظ کنند، از جهت سیاسی، این چنین صلاح می‌دانستند و کسانی را می‌گماردند که می‌دانستند در آن حکومت وحشت و ترور و خفقان، وجودشان برای جمعیت شیعه مفید واقع می‌شود و هم به وسیله‌ی آنان از برخی مکاید حکومت، علیه علویان، آگاه می‌شوند. چنانکه علی بن یقطین وقتی می‌خواست از پست خود در دربار هارون استعفا کند حضرت امام کاظم اجازه ندادند.

باری، به هیچ روی امام با این ستمکاران کنار نمی‌آمدند، حتی هنگامی که در چنگال ستم آنان گرفتار می‌شدند. یکروز از ایام محبس امام، هارون، یحیی بن خالد را به زندان فرستاد که موسی بن جعفر اگر تقاضای عفو کند، او را آزاد می‌کنم، امام حاضر نشدند.

مناظرات و گفتگوهای علمی

امامان گرامی ما با دانشی الهی که داشتند در مورد هر سئوالی که از آنان می‌شد، پاسخی درست و کامل و در حد فهم پرسشگر، می‌دادند. هر کس حتی دشمنان، چون با آنان به احتجاج و گفتگوی علمی می‌نشست، با اعتراف به عجز خویش و قدرت اندیشه گسترده و احاطه‌ای کامل آنان، برمی‌خاست.